

سرگذشت سرود و ترانه سرایی

در ایران

بکوشش و گزینش:

حسب النضیری فر



نصیری فر، حبیب‌الله، ۱۳۱۶ - ، گردآورنده
 سرگذشت سرود و ترانه‌سرایی در ایران / حبیب‌الله نصیری فر. - تهران: علمی، ۱۳۸۴.
 ۲۲۴ ص.: مصور.
 ISBN 964 - 404 - 114 - 3
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 نمایه.
 ۱. ترانه‌سرایان ایرانی. ۲. ترانه‌های ایرانی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد. الف. عنوان.
 ۴ س ۶/۴۰۹۹ PIR
 ۸۴۱/۰۴
 کتابخانه ملی ایران
 ۱۷۱۲۹ - ۸۴ م



انتشارات علمی

خیابان انقلاب - مقابل در بزرگ دانشگاه تهران
 شماره ۱۳۵۸ تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰

سرگذشت سرود و ترانه‌سرایی در ایران

حبیب‌الله نصیری فر

چاپ اول ۱۳۸۴

نیراز: ۱۶۵۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه

لیتوگرافی: صدف

چاپ: گلرنگ یکتا

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۶۴ - ۴۰۴ - ۱۱۴ - ۳ ISBN 964 - 404 - 114 - 3

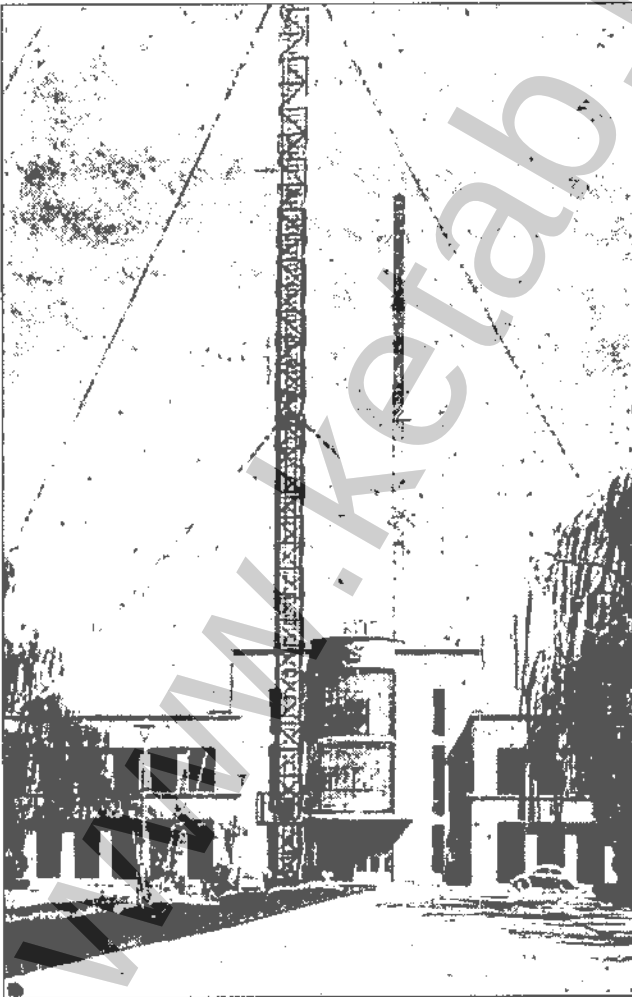
پیشگفتار

غزل، تصنیف، ترانه و سرود، در سرزمین باستانی ما ایرانیان، هر کدام حال و هوای خودشان را داشته‌اند و دارند.

غزل‌سرایان خوب و ممتاز و مطرح دوران اولیه را می‌توان از رودکی و سایر شعرا و غزل‌سرایان دیگر، سپس از آن حافظ و سعدی و در دوران معاصر، رهی معیری، بیژن ترقی، معینی کرمانشاهی، محمدحسین شهریار، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، ابوالحسین ورزی، امیری فیروزکوهی، نیاز کرمانی، فریدون توللی، فریدون مشیری، عماد خراسانی، علی اشتری، گلچین معافی، مؤید ثابتی، مشفق کاشانی، حسین مسرور، ایرج دهقان، وجدی جواهری، پرتو بیضایی، افسر بختیاری، اسماعیل نواب‌صفا، علی صارمی، مهرداد اوستا، اخوان ثالث و غیره را باید نام برد. تصنیف سرایان را بیشتر می‌توان از اشخاصی مثل: شیدا، عارف، روح‌اله همایون، دکتر حسین گل‌گلاب، ملک‌الشعرا بهار، محمدعلی امیرجاهد، پژمان بختیاری، وحید دستگردی، دکتر نیرسینا، تورج نگهبان، میرناصر شریفی، دکتر منیره طاهای، ایرج تیمورتاش، پرویز خطیبی، سرهنگ اعلامی، کریم فکور، شهرآشوب، نظام فاطمی، عبدالله الفت، ابوالقاسم حالت، پرویز وکیلی، سیمین بهبانی، لعبت والا، دکتر معین افشار، رضا جلیلی، ناصر رستگارنژاد، شاه زیدی، بهادر یگانه، هما میرافشار، شهین حنانه، محمدعلی بهمنی، اصغر واحدی، شهریار قنبری، جهانبخش پازوکی^۱ و تنی چند

۱. جهانبخش پازوکی شاعر و آهنگساز بزرگ که در کارنامه آهنگسازی خود، آثاری بسیار بدیع و

از ترانه‌سرایی که با یک اثر خود جاودانه شدند نظیر: ترانه «مراببوس» دکتر حیدر رقابی، «رقص گیسو» از هوشنگ شهابی، «اسب سم طلا» از نوذر پرنک، «بارون بارونه» از سیروس آرین پور و «تو ای پری کجایی» از هوشنگ ابتهاج و در رأس همه اینها سرود بسیار زیبا و جاودانه «ای ایران ای مرز پرگهر» از دکتر حسین گل‌گلاب را باید نام برد.



نمای خارجی بی‌سیم قصر (رادیو تهران)

→ جاودانه‌یی ثبت کرده است «گلپانگ گلها» جلد دوم صفحات: ۵۳۶ تا ۵۴۰ انتشارات: صفی‌علیشاه، که این آهنگها جزو آثار برتر و بزرگ فرهنگ صورتی ایران به‌شمار می‌روند.

شادروان استاد حسینعلی ملاح می‌نویسد:

«چامه که اعراب آن را غزل یا (قول و غزل)^۱ گویند تصنیفی است عاشقانه، اشعارش بنابر معمول دوازده هجائی بوده و آهنگ آن نیز وزنی نسبتاً سبک داشته است.

اگر در اشعار متقدمان که از الفاظ «قول» و «غزل» و «چامه» مدد گرفته‌اند به تعمق بنگریم، در این زمینه نیز بوجود انواع مختلف این نوع تصنیف پی خواهیم برد، یعنی اعتقاد پیدا می‌کنیم که چامه نیز به‌انواع ذیل تقسیم می‌شود:

الف: ممکن است ناصحانه یا عاشقانه بوده باشد؛ در اینصورت درست نیست که وزن آن را سبک بدانیم، مانند برخی از دوبیتی‌ها^۲.

ب: ممکن است وصفی بوده باشد؛ چنانکه ملک‌الشعرای بهار می‌نویسد:^۳

«چامه به‌نظر می‌رسد که مختص شرح روایات و داستانهای کوتاه از پهلوانی سواران، یا غرائب کار شهنشان در جنگ یا شکار و یا حالات و حکایات عشق‌بازی بزرگان یا دوشیزگان و نقل قول زنان و دختران دربارهٔ مردان دلیر و جوانان شجاع بالعکس آن بوده است...»

در اینصورت حالت نغمات و وزن چامه نیز به مقتضای محتوای آن تغییر خواهد کرد.

در مجموعه آهنگهای محلی مناطق جنوب ایران (از انتشارات اداره کل

۱. غزل در لغت به معنای مغازله و معاشقه است و چون در این نوع شعر از عشق و فراق و وصف معشوق یا عشق عارفانه سخن می‌رود به غزل تسمیه شده است حافظ گوید:

مغنی نوای طرب ساز کن به قول و غزل قصه آغاز کن

چه راه می‌زند این مطرب مقام شناس که در میان غزل، قول آشنا آورد

فرخی می‌گوید:

بونصر تو در پرده عشاق رهی زن بوعمر و تواندر صفت گل غزلی گوی

توضیح اینکه: بونصر و بوعمر، دو تن از نوازندگان و خوانندگان نامدار عهد غزنویان بوده‌اند... در این شعر فرخی از بونصر می‌خواهد که در گوشهٔ عشاق آوازی (رهی) بخواند و از بوعمر و خواستار است که در وصف گل تصنیفی بسازد)

۲. جره بازی بودم رفته به نخجیر سیه چشمی بزد بسر بالکم تیر

رفیقان اینقدر غافل نباشید هر آن غافل چره، غافل خوره تیر

۳. مقدمه بر کتاب هفتصد ترانه تألیف کوهی کرمانی.

هنرهای زیبا) ترانه‌ای هست موسوم به «سوزه‌جان» که در مایهٔ ماهور (Ré بزرگ) می‌باشد و این توضیح را همراه دارد:

«ترانه سوزه جان در لرستان شنیده شده و مخصوص رقص است و از نظر شباهتی که این ترانه با آهنگهای قفقازی دارد نباید آنرا به آهنگهای ترکی نسبت داد، بلکه این ترانه که در مایهٔ ماهور ایرانی می‌باشد آهنگ مخصوصی است به نام فردوسی که اشعار شاهنامه را اغلب با آن می‌خوانند.»

بنابراین تصنیفی که در وصف شخصی یا چیزی باشد بالطبع واحد وزنی است که با اوزان سبک کمتر مشتبّه می‌گردد...

و اما لفظه ترانه در فرهنگها به وجوه مختلف معنا شده است: «برهان قاطع» می‌نویسد: «ترانه به اصطلاح اهل نغمه، تصنیفی است که سه گوشه داشته باشد، هر کدام بطریقی، یکی: دو بیتی - و دیگری مدح و یکی دیگر تلاوت‌الا.»

«مجمع‌الفرس سروری» در برابر لفظ ترانه معنای «دویتی و سرود» را ذکر کرده است «فرهنگ کاتوزیان» نیز «دویتی و رباعی و نغمه و خوانندگی» را معنای ترانه دانسته است. «غیاب‌اللغات» ترانه را «سرود دو نغمه و نوعی سرود» دانسته است - «سراج‌اللغات» ترانه را «رباعی» گفته و در برابر «ترانه خزانگی» نوشته است: «مراد ترانه‌های عمده و ترانه‌هایی است که پادشاه یا امیری تصنیف کرده باشد.»

کریستنسن می‌نویسد: «رباعی وزن شعری کاملاً ایرانی است و به عقیده «هارتمان» رباعی ترانه نامیده می‌شده و اغلب به آواز می‌خواندند.»

ملک‌الشعراى بهار می‌نویسد: «ترانه یا ترنگ، ترانگ - رنگ - شباهت به تصنیف داشته است.

و گفتن و نواختن آن عام و شنیدن آن خاص طبقات دوم و سوم بوده است، همچنین مرحوم بهار در مقدمه بر هفتصد ترانه راجع به لفظ ترانگ می‌نویسد: «ترانگ که بعدها ترانه و امروز ترنگه و ترنگ و رنگ می‌گویند. صرفنظر از وجه تسمیه‌ای که «شمس قیس» و صاحبان فرهنگ برای آن گفته‌اند چنین پیداست که در درجهٔ مادون قسمتهای نامبرده (سرود و چامه) قرار داشته و خاص همگان و متعلق به عموم بوده است و از دو تا چند بیت تجاوز نمی‌کرده و در واقع شبیه

به تصنیف‌های قدیم بوده است و شاید قافیه بار اول در این بخش از شعر راه یافته و نیز شاید همین قسم شعر با موسیقی خاص خود به اعراب آموخته شده و پایه شعرهای ساده قدیم عربی قرار گرفته است.»

مولوی گوید:

دیدم نگار خود را می‌گشت گرد خانه

برداشته ربابی می‌زد یکی ترانه

با زخمه‌ای چو آتش - می‌زد ترانه‌ای خوش

مست و خراب و دلکش از باده شبانه

خیام گوید:

هنگام صبح، ای صنم فرخ‌پی بر ساز ترانه‌ای و پیش‌آور می

کافکند بخاک صد هزاران جم و کی این آمدن تیر مه و، رفتن دی

بنابر شواهد فوق ترانه نوعی تصنیف بوده که قبل از اسلام به ابیاتی موسوم به «فهلویات» همراه بوده است و بعد از اسلام نیز با رباعی (موزون و مقفی) خوانده می‌شده است.»

دکتر هدایت‌اله نیرسینا، که بیش از هر محقق و پژوهشگری دربارهٔ سرودها و ترانه‌ها در ایران تحقیق کرده و خود ابتدا دربارهٔ «فرهنگ ایران زمین در قرن نهم» رساله‌ی پژوهشگرانه و محققانه نوشته که و موفق به دریافت دکترای خود در رشته ادبیات پارسی گردید، دارای مقالات متعدد و مختلف در رشته‌های مختلف دیگر نیز می‌باشد از جمله: «یک دوره جغرافیای عالم» برای تدریس در دبیرستان‌ها، دو جلد «دستور املاء»، یک دوره «کتاب‌های فارسی برای تعلیم دانش‌آموزان» و کتاب دیگری به نام «تعلیم انشاء» و غیره... را نام برد.

دکتر نیرسینا، بیش از سه دوره عضو «هیئت منصفه» استادان ادبیات فارسی و تاریخ ایران بوده و در رادیو، برنامه‌های: «گفتنی‌ها»، «شورای عشایر»، «شهر سخن» و برنامه آقای هوشنگ مستوفی که زیر نظر ایشان اداره می‌شد و کار حساس‌تر و پر مسئولیت‌تر او، سرودن ترانه‌ها و تصانیف و انتخاب اشعار و ترانه‌ها و اصلاح و تصویب آنها برای رادیو ایران بوده است که خود در مجله رادیو ایران شماره ۶۸ مورخ فروردین ماه سال ۱۳۴۱ در این باره می‌نویسد:



دکتر هدایت‌اله تیرسینا

«شانزده سال پیش بوده که من اولین تصنیف خود را بر روی یک آهنگ محلی کردی ساختم. این ترانه را بر سیل تفنن سرودم و هرگز فکر نمی‌کردم استعدادی در این رشته داشته باشم یا این ترانه موفقیتی کسب کند. از طرفی من نه با آهنگسازی آشنائی داشتم و نه خواننده‌ئی را می‌شناختم تا ساخته خود را به‌او عرضه کنم اتفاقاً در همانروزها ارکسترهای رادیو هم به‌نام خوانندگان معروف بود یعنی می‌گفتند ارکستر خانم روح‌بخش یا ارکستر روح‌انگیز و... در این ایام یکی از دوستان مرا به‌خانم روح‌بخش که در آن ایام در شهرت و معروفیت بود معرفی کرد و من هم اولین تصنیف خود را به‌ایشان دادم. ترانه من بعدها که توسط خانم روح‌بخش اجرا شد به «وعده گلرخان» معروف شد و شهرت عجیب و غیرمنتظره‌ئی کسب کرد. برگردان تصنیف این شعر بود:

به‌خیالم که زحالم با خبر هستی ایگل نه بر سر ما کشتی دستی‌ای گل نه
اقبال و استقبال گرم و صمیمانه مردم از اولین ترانه من موجب شد که به‌اینکار ادامه دهم و کم‌کم با سایر خوانندگان و اغلب آهنگسازان آنروز آشنائی و دوستی پیدا کنم. از جمله آشنائی من با آقای مهدی خالدي نوازنده هنرمند و آهنگساز مبتکر بود که به‌تازگی از سفر هند به‌اتفاق خانم دلکش بازگشته بود. ارمغان سفر خالدي ترانه‌های زیبای «آی ربابه‌جان» و «شیرین‌شیرین» بود که توسط دلکش و

زاهدی اجرا شده بود. مراجعت این هنرمندان مصادف با روزهایی بود که تصنیف وعده گلرخان به شهرت رسیده بود همین ترانه باعث شده که با آقای خالیدی آشنائی و بعدها دوستی پیدا کنم و با شور و حرارت فراوانی به ترانه سازی بپردازیم. اولین ترانه‌ئی که محصول همکاری من و خالیدی بود ترانه «دم می و بوسه وی» نام داشت که توسط خانم دلکش اجرا شد. بدون تردید مهدی خالیدی در فورم و شکل ترانه‌هایی که امروز معمول و متداول است مایه بسیار داشته است آهنگهای بدیع و دلنشینی را که خالیدی در ضربها و ریتمهای تازه ساخت شکل آهنگسازی را به تدریج عوض کرد. از روزی که من به ساختن ترانه پرداختم و با رادیو همکاری پیدا کردم به خاطر ندارم که ترانه‌های رادیو توسط هیچ مقام و مرجعی کنترل و بررسی شود و هرکس ترانه‌ئی را که می ساخت به دست خواننده می داد و خواننده هم با کمال آزادی و خودمختاری در رادیو اجرا می کرد و همین امر موجب شده بود که سالیان دراز ترانه‌های هجو و مسخره‌ئی از رادیو پخش شود بعدها که خود من به عضویت شورای نویسندگان اداره انتشارات و تبلیغات آنروز در آمدم یعنی از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۲۹ باز هم به یاد ندارم که ترانه‌ئی را مورد بررسی قرار داده باشیم و کسانی که به شعر و ادبیات فارسی علاقه داشتند هر قدر عصبانی می شدند و حرص و جوش می خوردند گوش شنوائی وجود نداشت و گاه تصانیفی مانند «این یار منه که می رود سر بالا» یا «گل پری جون» از رادیو پخش می شد.

بعضی از ترانه‌های رادیو، گذشته از اینکه فاقد معنی و مضمون بود اصول و قواعد شعری هم در ساختن آن مراعات نمی شد مثلاً: بیاد دارم تصنیف ساز بیمایه‌ای ترانه‌ئی ساخته بود و خیلی هم مشهور بود که قافیه نداشت گمان می کنم اشعار آن چنین بود: «ای کاروان آهسته تریار از برم رفت، صبر و آرام ایام و عیش شادی از دست من رفت»!! ملاحظه می فرمائید در این شعر کلمه رفت که ردیف واقع شده قافیه ندارد یعنی «من» با کلمه «برم» را شاعر قافیه کرده!! بعضی از مردم که اینروزها آنقدر سلیقه شان بالا رفته و از یک کلمه اگر قدری نابجا باشد ایراد می گیرند آنروزها همین ترانه‌های مبتذل را زمزمه می کردند و همین اظهار عقیده‌ها و باریک بینی‌ها می رساند که رادیو ایران به رسالت معنوی خود در این



از چپ به راست: عباس فروتن، دکتر هدایت‌الله تبرسینا و مدیرکل تلویزیون نیوکاسل

شش ساله اخیر به‌خوبی پی برده و سطح ذوق و سلیقه و تشخیص عمومی را تا این حد بالا برده است در یکی از برنامه‌های قصه شمع آقای بدیع‌زاده تعریف می‌کرد که شبی در رادیو مشغول اجرای برنامه بودم و تصنیفی در افشاری می‌خواندم در حین اجراء تصنیف که در داخل کتابچه‌ئی بوده کتابچه از دستم افتاد و با عجله‌ئی که داشتم ترانه را گم کردم و بقیه تصنیف را از پیش خود خواندم و هرچه به‌زبانم آمد سر هم کردم و هیچیک از شنوندگان هم متوجه نشدند!! غیر از خود شاعر بیچاره. این هرج و مرج و بی‌ترتیبی تا ۶ سال پیش در کار ترانه‌های رادیو وجود داشت جز یکی دو نفر آهنگساز و ترانه‌سرا که گاه‌بگاه

روی ذوق و علاقه خود، ترانه‌نی می‌ساختند و احیاناً مورد توجه واقع می‌شد آهنگساز یا ترانه‌سرایی به‌طور موظف در دستگاه رادیو کار نمی‌کرد. ترانه‌هائی که تا شش سال پیش ساخته می‌شد همگی دارای مضامین عاشقانه بود از شش سال پیش که سرپرست اداره کل انتشارات و رادیو در رأس این تشکیلات قرار گرفت و خدمات شبانه‌روزی و فعالانه خود را آغاز کرد کار ترانه‌سازی نیز به‌موازات سایر امور به‌طرف موفقیت و کمال رفت. در این مدت رادیو ایران آهنگها و ترانه‌های بسیار جالب و متنوعی در همه زمینه‌های موسیقی به‌شنوندگان خود عرضه داشته است. با دقت و مراقبتی که در شورای موسیقی بر روی آهنگ‌ها و در شورای نویسندگان بر روی ترانه‌ها به‌عمل می‌آوردم، پیشرفت‌های زیادی نصیب آهنگسازان و ترانه‌سرایان رادیو ایران گردیده است. از طرف دیگر خدمات شایانی که برنامه‌گله‌ها به‌موسیقی اصیل ایران نشان داده است از نظر ارباب بصیریت و دوستداران موسیقی ایرانی دور نیست. برنامه‌گله‌ها که زبده‌ترین نوازندگان و برجسته‌ترین آهنگسازان را در اختیار دارد با هارمونیزه کردن آهنگ‌های جالب و شورانگیز آهنگسازانی مانند: شیدا و عارف آثار این هنرمندان را جاودانی ساخته و به‌موسیقی ملی صادقانه خدمت کرده است. در این مدت همانطور که برنامه‌گله‌ها از سقوط و زوال موسیقی با ارزش و سنتی، جلوگیری نموده است سایر ارکسترهای رادیو ایران از قبیل ارکستر سازهای ملی، ارکستر جاز و ارکسترهای معمولی رادیو شنوندگان خود را که دارای سلیقه‌های مختلف می‌باشند با ساختن ترانه‌ها و آهنگهای متنوع و دلپذیر همان‌طور راضی ساخته است. که قبلاً اشاره شد تا شش سال پیش تنها ترانه‌های رادیو در چهارچوب مضامین عاشقانه تهیه می‌شد در صورتی‌که سراینده‌گان ما در همه زمینه‌ها مانند تابلوسازی مناظره - یا موضوعات میهنی و اخلاقی ترانه‌های آموزنده‌نی ساخته‌اند ترانه‌سرایانی مانند: کریم فکور - معینی‌کرمانشاهی - بیژن ترقی - تورج نگهبان - نظام فاطمی - عبدالله الفت و ابوالقاسم حالت با ساختن ترانه‌های جالب در این مدت توانسته‌اند در انواع و اقسام مضامین ترانه‌های دلپذیری بسرایند. در سرودن ترانه‌هائی بلهجه محلی نظیر: گیلکی و کردی نیز ترانه‌سرایان، موفقیت‌هائی داشته‌اند کلیه ترانه‌هائی که توسط ارکسترهای رادیو

اجرا می شود اشعار آن در شورای نویسندگان از طرف بنده (دکتر نیرسینا) مورد بررسی دقیق قرار می گیرد. محصول ترانه های رادیو ایران با در نظر گرفتن این نکته که هر خواننده در ماه بایستی یک یا دو ترانه جدید اجرا کند در مدت ۶ سال بسیار قابل توجه خواهد بود. امیدواریم سال ۱۳۴۱ برای ترانه سرایان و آهنگسازان، سال پرموفیتی باشد و ترانه های دلپذیر و پرازشی بیش از پیش به علاقمندان موسیقی ایرانی تقدیم کنند.»

لازم به ذکر است که اگر هنرمندی چه خواننده و چه نوازنده فرق نمی کند، اگر سازی می نوازد و یا دارای صدایی زیبا می باشد برای مردم است، زیبایی و جذابیت صدای خوش و نواختن سازی خیلی زود از بین می روند و دیگر از آن شادابی و نشاط چیزی باقی نمی ماند و آدمی تا بخواهد خود را جمع و جور نماید، بسیار سریع موی سرش پید می شود، قیافه چین و چروک می افتد، دیگر دست ها، قدرت پنجه گذاری و آرشه کشی روی ویولن از بین می رود، آن صدای صاف و آسمانی دیگر از حنجره انسان بیرون نمی آید و همین جا است که اگر هنرمند توانسته باشد در دوران توانایی قلب ها را تسخیر کند، توانسته قلۀ هنر را فتح کند ولی اگر نتوانست به این مهم دست یابد خیلی زود از ذهن مردم بیرون رفته و جای خود را به تازه واردین می دهد.

خوشا به حال هنرمندانی که توانستند به فرهنگ هنری و صوتی کشور خدمت کنند و به تسخیر قلب ها نائل آیند و گذشت روزگار و گرد و غبار زمانه روی نام آنان را نپوشاند.